



درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۶ خرداد ۱۴۰۰

موضوع کلی: فصل فی احکام غسل الجنابة

مصادف با: ۲۵ شوال ۱۴۴۲

موضوع جزئی: ادله قائلین به وجوب نفسی غسل جنابت

جلسه: ۱۰۱

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در احکام غسل جنابت بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره) غسل جنابت، استحباب نفسی و وجوب غیری دارد. همچنین، عرض شد که معروف و مشهور این است که غسل جنابت، واجب غیری است، لکن مرحوم ابن حمزه (ره) از متقدمین، مرحوم علامه (ره) از متوسطین، مرحوم اردبیلی (ره)، مرحوم صاحب مدارک (ره) و مرحوم صاحب ذخیره (ره) از متأخرین، مخالف این سخن می باشند.

ادله قائلین به وجوب نفسی غسل جنابت

قائلین به وجوب نفسی غسل جنابت معتقدند که غسل جنابت به خودی خود واجب می شود و وجوب آن متوقف بر غایتی مثل نماز و امثال آن نیست.

این عده به کتاب و سنت و بعضی از وجوه اعتباریه استدلال کرده اند.

دلیل اول: کتاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۱.

تقریب استدلال به آیه مذکور، این است که اطلاق امر «فاطهروا»، اقتضای وجوب نفسی غسل جنابت را دارد، یعنی به صرف تحقق جنابت، بر شخص واجب می شود که غسل کند و وجوب غسل، متوقف بر نماز خواندن و امثال آن نیست زیرا امر به طهارت، به نماز و امثال آن مقید نشده است، همچنین، اطلاق مذکور، اقتضای وجوب تعیینی [در مقابل وجوب تخییری] و وجوب عینی [در مقابل وجوب کفایی] را نیز دارد.

توضیح بیشتر، این است که ظاهر امر به اغتسال (فاطهروا)، بر وجوب نفسی دلالت دارد. به علاوه به اینکه هر یک از واجبات غیری، تخییری و کفایی، دارای قید می باشند لذا اگر مولی در مقام بیان باشد و قرینه ای نیز نیاورده باشد، حکمت اقتضا می کند که به اطلاق کلام مولی عمل می شود و اطلاق، وجوب نفسی، تعیینی و عینی را اقتضا می کند، اعم از اینکه واجب دیگری باشد یا نباشد و اعم از اینکه عمل دیگری انجام شده باشد یا انجام نشده باشد و اعم از اینکه شخص دیگری آن عمل را انجام داده باشد یا انجام نداده باشد.

اشکالی که بر آیه مذکور، وارد است، این است که این آیه یک صدر دارد و یک ذیل دارد و در مقام بررسی، مشاهده می‌شود که صدر و ذیل آیه مذکور، قوی‌ترین قرینه بر این می‌باشند که مراد از وجوب، وجوب غیری است و وجوب نفسی، مراد نیست، یعنی غسل جنابت فی حد نفسه واجب نیست، بلکه اگر شخص بخواهد یکی از غایات واجب را انجام بدهد، غسل جنابت، وجوب غیری پیدا می‌کند و به تعبیر روشن‌تر، امر به طهارت در آیه مذکور، به شرطیت طهارت برای نماز و امثال آن ارشاد دارد. صدر آیه مذکور [«إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»]، قرینه ظاهریه است بر اینکه امر به وضو و غسل جنابت، به شرطیت طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر برای نماز ارشاد دارد، یعنی صحت نماز متوقف بر طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر است و لذا اگر شخص جنب باشد و بخواهد نماز بخواند باید غسل کند تا طهارت حاصل شود تا بتواند نماز بخواند.

ذیل آیه مذکور [«وَأِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»]، نیز قرینه بر وجوب غیری غسل جنابت می‌باشد زیرا از ذیل آیه مذکور، استفاده می‌شود که وقتی شخص، محدث بود و آب پیدا نکرد باید تیمم کند و نمازش را بخواند و با توجه به اینکه در باب تیمم، کسی وجوب نفسی تیمم را قائل نشده است، گفته می‌شود که وقتی تیمم که بدل از غسل است، وجوب نفسی نداشته باشد، مبدل منه آن، که غسل باشد نیز وجوب نفسی نخواهد داشت. به تعبیر روشن‌تر اگر وجوب غسل جنابت، وجوب نفسی بود باید در رابطه با تیمم نیز به وجوب نفسی آن قائل شد، در حالی که هیچ کس به وجوب نفسی تیمم ملتزم نشده است لذا از عدم وجوب نفسی تیمم که بدل از غسل است، فهمیده می‌شود که وجوب غسل که مبدل منه است، نفسی نمی‌باشد. نتیجه اینکه، دلالت آیه مذکور بر مدعا (وجوب نفسی غسل جنابت)، تمام نیست.

دلیل دوم: روایات

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الدِّينِ الَّذِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرَهُ وَلَا يَغْذِرُهُمْ عَلَىٰ جَهْلِهِ، فَقَالَ: «شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَالصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَحِجُّ الْبَيْتِ وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جُمْلَةً وَالْإِثْمَامُ بِأَيِّمَةِ الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»^۱.

معاذ بن مسلم گفته است که از امام صادق (ع) در رابطه با دینی که خداوند متعال، غیر آن را از بندگان نمی‌پذیرد و عذر آوردنشان به اینکه جاهل بوده‌اند را نمی‌پذیرد، سؤال شد، آن حضرت (ع) فرمود [که دینی که خداوند متعال آن را قبول می‌کند] شهادت به یگانگی خداوند متعال، شهادت به رسالت پیامبر اکرم (ص) و خواندن نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه مبارک رمضان و غسل از جنابت، حج خانه خدا، اقرار به تمام آنچه از جانب خداوند متعال آمده است و اقتدا کردن به ائمه معصومین (ع) می‌باشد.

تقریب استدلال به روایت مذکور، این است که غسل جنابت در این روایت در عداد واجبات مهمه‌ای قرار گرفته است که وجوب آنها، وجوب نفسی است، یعنی چون غسل جنابت در عرض ارکان دین قرار گرفته است که وجوب آنها نفسی است، پس وجوب غسل جنابت نیز نفسی می‌باشد. پس، قرار گرفتن غسل جنابت در عرض پایه‌های دین، قرینه بر واجب نفسی بودن غسل جنابت است و لذا بعید است که واجب غیری و از باب مقدمه برای نماز باشد چون اگر غسل جنابت، واجب غیری بود در عداد پایه‌های دین ذکر نمی‌شد زیرا نماز، شرائط و مقدمات دیگر نیز دارد و مقدمات نماز، منحصر به طهارت نیست تا فقط غسل جنابت در روایت مذکور، آورده شود، پس اگر ذکر غسل جنابت از باب مقدمه نماز و وجوب غیری بود، نباید در روایت مذکور، می‌آمد چون

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب مقدمة العبادات، باب ۱، ص ۲۸، ح ۳۸.

نماز، مقدمات دیگری نیز دارد و ذکر غسل جنابت و عدم ذکر مقدمات دیگر، ترجیح بلا مرجح است، بنابراین، ذکر غسل جنابت، حاکی از این است که وجوب غسل جنابت، نفسی است و غیره نیست.

اشکالات وارده بر استدلال به روایت مذکور

روایت مذکور از حیث سند اشکال ندارد زیرا حسین بن سیف که در سند این روایت آمده است در اسانید کتاب کامل الزیارات آمده است و روایتی که در اسانید کامل الزیارات آمده‌اند، توثیق شده‌اند، اما دلالت روایت مذکور بر مدعا (وجوب نفسی غسل جنابت)، تمام نیست زیرا؛

اولاً؛ صرف واقع شدن غسل جنابت در عداد عناوین مذکور در روایت، دلیل بر وجوب نفسی غسل جنابت نمی‌شود و ذکر آن در عداد این عناوین، فقط می‌تواند دلیل بر اهمیت غسل جنابت باشد و وجه اهمیت آن نیز روشن است زیرا غسل جنابت، شرط صحت نماز است و نماز بدون طهارت، هیچ ارزشی ندارد و همچنین، غسل جنابت، در بعضی از موارد، شرط صحت روزه نیز می‌باشد و شخص جنب حتماً باید قبل از اذان صبح غسل کند تا بتواند روزه بگیرد و همچنین، صحت حج جنب، متوقف بر غسل جنابت است و گرنه بعید است که غسل جنابت از ارکان دین باشد چون مواردی، از قبیل جهاد، زکات، امر به معروف و نهی از منکر که از نظر اهمیت، از غسل جنابت مهم‌ترند و از ارکان دین می‌باشند در این روایت نیامده‌اند لذا نمی‌توان فقط به موارد مذکور در این روایت بسنده کرد و گفت که این موارد از ارکان دین می‌باشند، پس صرف ذکر شدن غسل جنابت در این روایت دلیل بر اینکه غسل جنابت از ارکان دین می‌باشد، نیست، کما اینکه عدم ذکر مواردی، مثل جهاد، زکات و امر به معروف و نهی از منکر، در روایت مذکور، دلیل بر عدم رکن بودنشان نیست.

اشکالات دیگر استدلال به روایت مذکور، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»